

دنیای دیگری

نامه‌های بی‌پاسخ!

ملیکا گلی برای توجه به حوزه‌ی کتاب نوجوان چندین بار به رئیس‌جمهورها نامه نوشته است کسب رتبه‌ی دوم جشنواره‌ی بین‌المللی امام‌رضاء شهر کرد در سال‌های ۸۶ و ۸۷، برگزیده‌ی جشنواره‌ی دستان کوچک دعای تبریز در سال ۸۶، تقدیر شده‌ی جشنواره‌ی تولیدات رسانه‌ای حجاب و عفاف تهران در سال ۸۷، برگزیده‌ی جشنواره‌ی رهاورد سرزمین نور تهران در سال ۸۶، تقدیر شده‌ی ویژه‌ی جشنواره‌ی کشف لحظه‌های تهران در سال ۸۷، برگزیده‌ی جشنواره‌ی فجر جاوید مشهد در سال ۸۶، دریافت لوح سپاس از دوره‌ی چهارم جایزه ادبی اصفهان، تقدیر شده‌ی جشنواره‌ی رهاورد سرزمین نور خراسان رضوی در سال ۸۷، تقدیر شده‌ی جشنواره‌ی حضور در سال ۸۷، تقدیر شده‌ی جشنواره‌ی رهاورد تهران در سال ۸۸، تقدیر شده‌ی جشنواره‌ی هنر در آینه‌ی مطبوعات در سال ۸۸ و کسب رتبه‌ی سوم جشنواره‌ی کتاب سال رضوی (کودک) همدان در سال ۸۸، بخشی از افتخارات ملیکا در دوران نوجوانی است. ملیکا می‌گوید: «نوشتن کتاب و دانستن علاقه‌ی کودکان، کار آسانی نیست، اما سخت‌تر از آن حمایت نکردن ناشران از نویسندگانی است که می‌خواهند برای کودکان بنویسند.» رهبر انقلاب در نمایشگاه کتاب امسال فرمودند: «برای جذب کودکان و نوجوانان هر قدر می‌توانید از لحاظ کمیّت و کیفیت کار کنید. هنوز داستان‌های خارجی مربوط به کودک غلبه دارد که عیب بزرگی است.» ملیکا می‌گوید: «این بیانات نشان‌دهنده‌ی اهمیت کتاب در حوزه‌ی کودک و نوجوان است. نویسندگان ایرانی به‌خصوص نوجوانان وقتی برای چاپ آثارشان مراجعه می‌کنند مجبورند تمام هزینه‌های چاپ را خودشان تقبل کنند. مشکلات چاپ حتی برای نویسندگان مشهور هم وجود دارد. طبیعی است که مانعی بزرگ بر سر راه آن‌هاست و کم‌کم از فعالیت در این حوزه دل‌سرد می‌شوند.»

ماجرای نامه به رئیس‌جمهور و پوتین
ملیکا گلی سال ۱۳۹۲ برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست به رئیس‌جمهور وقت ایران نامه نوشت. او نوشته بود: «آقای رئیس‌جمهور عزیز! از شما خواهش می‌کنم، دستور بدهید لاقلاً یک کم، یک کوچولو از مالیات مغازها را فقط به پرورشگاه‌ها و بچه‌های یتیم یا معلول همان‌جا بدهند. امیدوارم کمک کنید تا سال آینده هیچ بچه‌ی فقیری مجبور نباشد توی هوای گرم یا سرد، دست‌فروشی کند.»

ملیکا، زمانی که همراه خانواده در روسیه بود به پوتین، رئیس‌جمهور روسیه هم نامه نوشت. او ماجرای این نامه را بر ایمان توضیح می‌دهد: «در همایش هفته‌ی دوستی کودکان ایران و روسیه که در سال ۹۲ برگزار شد، مراسمی در کتابخانه‌ی ملی روسیه برگزار شد و من به‌عنوان نویسنده‌ی نوجوان دعوت شد تا کتاب‌هایم را معرفی کنم. بعد از آن، به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، نامه‌ی نوشتم تا او برای توجه ویژه به ادبیات کودک و نوجوان قدرانی کنم.» ملیکا گلی، تاکنون هیچ پاسخی از نامه‌هایی که نوشته دریافت نکرده، اما امید نیست و امیدوار است روزی آثار مکتوب در حوزه‌ی نوجوان به جایگاه اصلی خود برسد.



«من خنگالو»

رئیس‌جمهور جدید، ماهی مغرور، شاهزاده خانم نازک نارنجی، دوچرخه، زیباترین عروسک دنیا، خوشگل تر از همیشه، خیاط خیاط، عروس، فرار، کلاغه به خونه‌اش نرسید، دفعه‌ی آخر، بابای پولدار، عروسک شکمو، گنجشک‌ها و کلاغ‌ها، خانم فیل، تصمیم قشنگ ماهی‌ها، خانم قو، خانم رباط و مجموعه‌ی ۵ جلدی فکرهای بکر «من خنگالو» از آثار چاپ شده ملیکا گلی است که اغلب آن‌ها را در دوران کودکی و نوجوانی نوشته و به چاپ رسانده است. برخی از داستان‌های این کتاب‌ها بر اساس خاطرات دوران کودکی ملیکا است؛ خاطرات بامزه‌ای که هر کدام از ما از دوران نوجوانی و کودکی داریم و اگر همت کنیم و علاقه به نوشتن داشته باشیم می‌توانند به داستان‌هایی جذاب و خواندنی برای سایر هم‌سن و سالانمان تبدیل شوند.



گفت‌وگو با «ملیکا گلی» که از کودکی رؤیای نوشتن در سر داشت

فکرهای بکر «من خنگالو»

شهره کیانوش‌راد
روزنامه‌نگار

۳

کتاب رامی خوردم!

مادر من می‌گفت ملیکا کتاب را نمی‌خواند، کتاب را می‌خورد! راست می‌گفت. گاهی چندین بار یک کتاب را می‌خواندم. زیر جمله‌هایی که خوشم می‌آمد خط می‌کشیدم و آن‌ها را در دفترچه‌ای یادداشت می‌کردم. نخستین کتاب‌هایی که خواندم مجموعه داستان‌های هانس کریستین آندرسن بود. عاشق کتاب دختر کبریت‌فروش بودم. به کتاب شازده کوچولو (نوشته‌ی آنتوان دو سن‌ت‌اکزوپری) خیلی علاقه داشتم و هنوز این قدر این کتاب برایم جذاب است که هر از گاهی آن را ورق می‌زنم و می‌خوانم و باز هم نکته‌های جدیدی را می‌بینم. پدر و مادر من در این مسیر روشن قرار دادند. حالا من هم برای دخترم کتاب می‌خوانم تا او را باین یار دوست‌داشتنی آشنا کنم.

۴

کتاب نخوانن‌ها چه‌کنند؟

اگر دوست دارید نویسنده شوید، باید کتاب‌خوان باشید. آن قدر بخوانید تا ذهن شما برای نوشتن آماده شود و به اصطلاح، قلمتان راه بیفتد. نوشتن را از خاطرات خودتان شروع کنید. خاطرات تلخ، شیرین و اتفاق‌های طنزی را که برایتان افتاده بنویسید؛ حتی می‌توانید نوشتن خاطرات روزانه‌ی خود را شروع کنید؛ اما اگر حوصله‌ی کتاب‌خواندن ندارید، از کتاب‌های صوتی استفاده کنید. گوش کردن، ولع خواندن را در شما بیشتر می‌کند. آن قدر کتاب‌های متنوع وجود دارد که شما می‌توانید بسته به نوع علاقه‌ی خود کتاب مورد نظرتان را پیدا کنید. فقط کافی است اراده کنید و به سمت کتاب بروید.

۱

نوجوانی نخستین کتابی که نوشتم!

هفت‌ساله بودم که با تشویق پدر و مادر من که نویسنده بوده و هستند، شروع به نوشتن کردم. نخستین کتاب مستقیم «رئیس جدید» بود. وقتی کتابم چاپ شد، کلی ذوق کردم و دلم خواست باز هم بنویسم. باسواد که شدم، شوق نوشتن و کتاب‌خواندن در من بیش‌تر شد. در خانه‌ی ما هر هفته جلسه‌ی خانوادگی نقد و بررسی داستان برگزار می‌شد. کل روزهای هفته در انتظار رسیدن آخر هفته بودم تا در کنار مامان و بابا، خاطرات و داستان‌های کوتاهی را که نوشته بودم بخوانم. در عالم بچگی احساس می‌کردم رقابتی بین من با پدر و مادرم شکل گرفته و این حس خوبی به من می‌داد و انگیزه‌ی نوشتن را در من بیش‌تر می‌کرد.

۲

کوچک‌ترین واقف

وقتی به سن و سال شما بودم، یک روز پشت چراغ قرمز توجه‌هایی جلب شد که سر و وضع نامرتبی داشتند. اغلب آن‌ها گل‌فروش بودند و برخی هم دستمال به‌دست، شیشه‌ی ماشین‌ها را پاک می‌کردند. با خودم گفتم که چه‌طور ممکن است بچه‌ای به این سن و سال از صبح تا شب سرچهارراه کار کند! آن‌ها مدرسه نمی‌روند؟ پدرم در پاسخ به سؤال من گفت: «شاید پدر و مادر ندارند، شاید وضع مالی‌شان خوب نیست و مجبورند کار کنند.» اما این پاسخ، ذهن من را بیش‌تر آشفته کرد. دلم می‌خواست بتوانم برای آن‌ها کاری کنم. وقتی نخستین جایزه‌ی داستان‌نویسی را گرفتم، اعلام کردم که این جایزه را به نیت کودکان کار وقف می‌کنم. بعد از آن تصمیم گرفتم همه حق‌التألیف و ترجمه‌ی آثارم را به کودکان کار اختصاص دهم. چندین بار و در مراسم مختلف من را دعوت و هربار جوایزی مثل ربع سکه، تمام سکه، پول نقد به من اهدا کردند، اما همه‌ی این جوایز را به کودکان کار هدیه دادم؛ حتی وقتی اداره‌ی اوقاف استان خراسان رضوی در ۱۳ سالگی به من فیش حج اهدا کرد، باز هم تصویر کودکی که از درس و آموختن محروم شده بودند جلوی چشمم رژه رفت و آن را برای تأمین هزینه‌ی کودکان کار اختصاص دادم. در رکورد‌های ملی ایران نام من به‌عنوان خردسال‌ترین واقف جهان ثبت شده است. تنها هدفم این است که توجه مردم و مسئولان را به کودکان کار جلب کنم. می‌خواستم با این کار قدمی در راه فرهنگ‌سازی بردارم تا کودکان از امکانات آموزشی و زندگی شاد بهره‌مند شوند.

کتاب

هم با موضوع داستان‌هایی از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی ملیکا است.

۸ کتاب

به داستان‌های تخیلی، علمی و... اختصاص دارد.

۳ جلد

کتاب از نوشته‌های ملیکا گلی چاپ شده است.